

جرج پاسخ داد که: وی متولد 1469 متوفای 1527 بود و فیلسوف ایده آل حکومت اشرافی است که می توان آن را

هبطاً به نام غدیر و کنستان ویرژیل گئورگیو و اهل کشور رومانی بوده است. در زمان حیات ویرژیل، عصر حاکمیت مارکسیستها در شرق اروپا بود. لنین، تفکرش را در شوروی سابق گسترش داده بود و کمونیسم به شدت زیاد در حال گسترش بود. رومانی هم جزو بلوک شرق و در اردوگاه مارکسیست جای می گرفت. و از آنجا که، نزدیک اروپای غربی بود و تضاد ماتریالیسم غرب با سوسیالیست شرق در جریان بود، نوعاً باید تحت تأثیر پوزیتیویست غربی و یا مارکسیست شرقی قرار می گرفت. اما وی نه تنها چنین نبود، بلکه فردی واقع گرا و الهی بود. تا حدی در مطالعات خود مانع از اثربخشی از غرب بود که دکتر علی شریعتی می گوید: گرویی روح را پر می کرد و ویرژیل روح را قوی می ساخت و ژان پل سارتر مرا به واقعیتها می خواند.

ویرژیل کتابی هم در مورد قرآن و پیامبر اسلام «صلی الله علیه و آله و سلم» نگاشته بنام: «محمد و قرآن» که پس از بررسی های فراوان درباره این موضوع چنین نوشته است: «پیامبر اسلام قوی تر از آن بود که در مورد مسئله تعیین جانشین که برای دنیای اسلام اهمیت داشته دچار تردید شود و نتواند نظر خود را بگوید.» (7)

ویرژیل همراه گرویی یهودی، هم مباحث بودند و بسیار همدیگر را در اندیشه یاری می کردند. ویرژیل بر این باور است که همه اصحاب رسول الله و مردم مسلمان عصر نبوت، از رسول الله «صلی الله علیه و آله و سلم» تبعیت کرده اند و منکری در میان آنها وجود نداشته است. در اظهار نظری دیگر می گوید:

«... با توجه به اینکه پیامبر اسلام بطوری در میان اطرافیان خود نفوذ کلام داشته که هر چه می گفته از طرف آنها پذیرفته می شده است. علاوه بر این وی در هشتاد جنگ شرکت کرده و فرماندهی آنها را برعهده داشته دلیرتر از آن بوده که نتواند جانشین خود را تعیین کند و دچار رودربایستی بشود.» (8)

وی از جمله دانشمندان و مستشرقین دنیای غرب است، که موضوع غدیر را مورد توجه قرار داده او که متفکری آزاداندیش و فرانسوی بود می گوید:

«از عدم اجرای وصیت پیامبر درباره علی ابن ابیطالب متأسفم. آخرین اراده پیامبر اجرا نشد.» (9)

وی سپس تصریح می کند که در اسلام امامت امری انتصابی است و لذا می گوید:

«پیامبر علی را به جانشینی خود انتخاب کرده بود و حال آنکه پس از مرگ پیامبر عده ای فردی دیگر را انتخاب کردند.» (10)

باون کا، اده فانسوی وی که بیشتر جنبه های شهادت و شجاعت علی «علیه السلام» را تحسین نموده و در عین حال تاریخ اسلام را تاریخ علی و فضائل او قلمداد می کند و از خودنمایی افرادی که لیاقت درک فیض وجودی حضرتش را نداشته اند، اظهار تأسف کرده و بارها بر شرط های مهم زیر برای «تصدی» منصب امامت تأکید کرده است:

1- همراهی با پیامبر در نبردهای سنگین.

2- شکست ناپذیری در جنگها.

3- نشان دادن معجزه.

4- همتا نداشتن در میان اصحاب.

5 - مهرورزی به امت.

6- مورد اطمینان و اعتماد رسول الله بودن.

7- دارا بودن روحی عمیق و شگرف.

او می گوید:

«علی همچون قهرمان شکست ناپذیر و شجاع بی همتا دوشادوش پیامبر اسلام پیکار کرد و معجزاتی نشان داد» (11) نگاه وی در مورد امیرالمؤمنین «علیه السلام» این است که تنها فرد مورد اطمینان رسول خدا، علی بود؛ بنابراین فقط علی را به امامت و رهبری خلق می پذیرفت: «پیامبر به او مهر می ورزید و اطمینانی عمیق به وی داشت تا آنجا که یک روز در حالی که به وی اشاره می کرد چنین گفت: هر کس که من سرور و آقايش هستم تو نیز سرور و آقايش هستی...»

او سپس می گوید:

«علی مهربانی دردمند و شهنشوارى پاک نهاد و پاک باز و امامى شهيد بود که روحى بس عمیق و آرام داشت. روحى که در ژرفای آن اسرار خدایى نهفته بود.»

حرج سميعان حادق: دیگر متفکر مسیحی در کتابش، امامت را در نزد رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» همسنگ نبوت می داند. او معتقد است که ولایت و رهبری باید در کسی قرار می گرفت که دارای روح آزاده و ملکه عدالت و برخوردار از تعهد به «حقوق بشر» که آموزه امام علی «علیه السلام» است، بوده باشد. او از این حیث امیرالمؤمنین «علیه السلام» را همسان سقراط دانسته است و کتابی با عنوان علی و سقراط منتشر نموده او نوشته است:

«علی بن ابیطالب ندای عدالت انسانی و شخصیت جاودانی شرق بود علی نخستین مبارز راه عدالت و آزادی و پیشگام نهضت تساوی حقوق بشر بود.» (12)

ادامه اظهار نظر وی در این باره چنین است که تاریخ بشریت تنها یک مرد بسان سقراط، نهضت حقوق بشر خواهی و

میخائیل، نعیمة ادب و حکیم مسیحی، و علی، «علیه السلام» وی گوید: علی تنها قهرمان صحنه پیکار نبود بلکه در ژرف بینش و پاکی وجدان و بیان قاطع و انسانیت عمیق و بلندی عصمت و باری ستم‌پدگان و مظلومان در برابر بیدادگران و پرستش بی شائبه یزدان، قهرمانی بزرگ بشمار می رفت. توماس، کالانا، مه، خ انگلیسی، «علیه السلام» را چنان برجسته می داند که امامت را تنها حق او می داند. بنابر قوانین اساسی که برای حاکمان، شرط مقبولیت در میان عامه مردم را در اولویت قرار می دهند، علی مستحق تر از همه معاصرانش در ولایت و حکومت بود. از سوی دیگر علامه مآوردی در کتاب «الامه و الامامت» جلد 2، ص 239 می گوید: علمای اهل سنت و شیعه برای رهبری چندین شرط قائلند:

- 1- سیادت
 - 2- تدبیر
 - 3- قرشی بودن
 - 4- شجاعت در حفظ دین
 - 5- اعلیت
 - 6- مقبولیت عامه و نیک خواهی مردم
 - 7- جوانمردی و مروت
 - 8- عدالت در حد اعلی
- بعد از مطالعه افرادی که در سقیفه حضور داشتند، هیچ یک جامع این شرایط نبودند. هر کدام علی حده، یک یا دو شرط را دارا بودند و شروط دیگر را نداشتند، تنها امام علی «علیه السلام» واجد شرایط بود. او می گوید:

«علی کسی است که ما ناگزیریم دوستش بداریم و به او عشق بورزیم. او جوانمردی شریف و بزرگوار است که از وجدان او رحمت و نیکی می جوشد. از قلب او شعله دلاوری و حماسه زبانه می کشد او از شیر شجاعت تر است ولیکن شجاعتش با رقت و رحمت و لطف و مهربانی درآمیخته است. شهادت او بر اثر شدت عدالتش بود.» از آنجا که از شروط مهم و اساسی امامت شجاعت و شهامت و تهور است، توماس کارلایل در کتابش که به نام زندگانی محمد نوشته است، به این صفت امام اشاره می کند، که هیچ کس از اصحاب پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم»، در آن عصر واجد چنین خصلتی در حد علی «علیه السلام» نبود.

رهبری جامعه و امت اسلامی باید کسی باشد که دشمن از او بترسد. وگرنه دشمنان به طمع می افتند که دست اندازی کرده و کشور اسلام را تصرف کنند. از سوی دیگر، دین گاه گاه مورد حمله التقاطیون و منافقین و کفار قرار می گیرد؛ بنابراین امام باید تا سر حد شهادت از مذهب اسلام دفاع کند و در این راه از مرگ نترسد. کارلایل به این خصلت امام علی «علیه السلام» اشاره کرده و می گوید:

«... امام علی «علیه السلام» سرداری شکست ناپذیر بود شجاعتش در میدانهای جنگ به حدی بود که همه از او می ترسیدند. هرگز از میدان روی برنافت و از سپاه دشمن نهراسید هیچ کس به

میدان او نیامد مگر مغلوب شد و هر ضربتی که بر پیکر دشمن زد به ضربت دوم محتاج نبود و تمام دلاوران و سلحشوران عرب بعد از او به شجاعتش افتخار می کردند و در شرق و غرب عالم از او یاد می کردند.» (15)

سید، سلیک، مه، خ انگلیسی، این پژوهشگر در تاریخ ایران (16)، زبان به مدح ایرانیان و حق طلبی و حق شناسی ایرانیان گشوده است. او مردم ایران را مردمی شجاع و پاک نهاد و دارای سرشت و طینت منزه می داند که با انتخاب مذهب و مکتب علی نشان داده اند، که حقیقت و هنر والا و عالی معنویت را انتخاب کرده اند. او فصل جداگانه ای در بین خصوصیات خریّت و ستم زدایی ایرانیان نگاشته است. آنگاه رمز و راز حیات متمدّنه ایرانی را، عشق به ولایت علی دانسته است. و لذا می نویسد: «اینکه اهالی ایران درباره علی مقام ولایت قائل شده اند و او را سرپرست حقیقی و مربی الهی می دانند، قابل تحسین و شایان تمجید است گرچه مقام او خیلی بالاتر از این است.» (17)

که، ت فایشلر، آلمانی، وی کتابها و مقالاتی زیاده از حد یک مسیحی، در مورد امامان خصوصاً علی «علیه السلام» و فرزندانش به خصوص حضرت ابوالفضل «علیه السلام» نگاشته است، بنده در کتاب (بر ابوالفضل العباس چه گذشت در ص 206) در نقل این اظهارنظر، سنگ تمام گذاشته ام. فرایشلر در این یادداشتی که در مورد علی «علیه السلام» نوشته است، امیرالمؤمنین را در تشکیل انجمن های نویسندگی و تاریخ نگاری بسیار روشنفکر و پیشرو می داند. فرایشلر در مورد انجمنی، که علی «علیه السلام» پایه گذاری کرد و جنایات معاویه که این انجمن را منحل کرد، سخنانی زیاد نگاشته است.

او از واقعه غدیر و عهدشکنی برخی از صحابه نمایان، شکوه می کند که چرا نگذاشتند علی بر مسند امامت بنشیند، تا بشر اینگونه سرگردان شود:

«امیرالمؤمنین دانشمندی متفکر و دارای سطوح فکری روشن و عالی بود از جمله کارهای او یکی تأسیس انجمن تاریخ اسلام بود که از عده ای مردم فاضل و صحابه پیامبراکرم تشکیل داد تا تحت نظرش بنگارش تاریخ وقایع دوره پیامبر بطور صحیح آگاه شوند افسوس که با شهادت وی معاویه این انجمن را تعطیل کرد و نوشته های فضلا و صحابه را از بین برد تا از انتشار حوادثی که برخلاف منافع شخصی او و فرزندانش بود جلوگیری شود.» (18)

پی نوشت ها :

1. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به کتاب «موقف الاستشراق من السنة و السیره». مجله ی مرکز بحوث السنة و السیره، دکتر جعفر شیخ ادریسی و کتاب مناهج المستشرقین، ارگان دانشگاه مونتمگری. چاپ عربی در دوحه پایتخت قطر، نشر دارالثقافه.
2. گوستاولوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ج 1 ص 246.
3. روزنامه اطلاعات / یکشنبه: 5 دی ماه 1372، برابر با 26 دسامبر 1993، 12 رجب 1414 ه.ق، شماره 20092، ص 7.
4. روزنامه اطلاعات، همان تاریخ ذکر شده.
5. ماجراهای جاودان در فلسفه 167. هنری توماس، ترجمه احمد شهسا، چاپ پنجم 1375 - نشر ققنوس.
6. ماجراهای جاودان در فلسفه 167. هنری توماس، ترجمه احمد شهسا، چاپ پنجم 1375 - نشر ققنوس.
7. خواندنیا، 16 مهر 1342.
8. صوت العدالة الانسانية، ص 501، جرج جرداق.
9. زندگانی علی «ع». پروفیسور نصرالله نیک بین، انتشارات اهل بیت، قم 1365، ص 47، چاپ اول.

نویسنده: حجة الاسلام سید عزیز رضائی چناری

مدرس حوزه علمیه آیت الله بروجردی

10. همان.

11. جرج جرداق، صوت العدالة الانسانية، ج 5، ص 1230.

12. علی و سقراط، ص 539.

13. علی و سقراط، ص 515.

14. جرج جرداق، صوت العدالة الانسانية، ج 1، ص 549.

15. توماس کارلایل، زندگانی محمد، ص 243.

16. در کتاب تاریخ ایران، ص 744.

17. خواندنیا، سال 24، ش 40، ص 41.

18. کهرت فایشل، آلمان، عایشه بعد از پیغمبر اسلام، ص 345. منبع: حسینی مقدم، سید اسماعیل؛ (1387)، گوازه غدیر، نشر وابسته به اداره کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه، چاپ اول 1387.

حکومت «گرگهای مهربان» نامید مریدان ماکیاول سیاستمداران زیادی بودند مثل: ناپلئون، ویلهلم هیتلر، موسولینی، متجاوزینی که عطش شدید آنها برای کسب قدرت تقریباً تمام تمدن ها را به ویرانی کشید. دیکتاتورها و امپریالیست ها و دیگر ستم پیشگان بدرکرداری است که نژاد انسان را در تنگنا گذاشته اند. (4)

جرج می گوید: «بشریت به علی نیاز داشت نه اینکه علی به حکومت و خلافت محتاج باشد. و لذا غدیر را علی آبرو بخشید زیرا موضوع و محور غدیر «علی» بود.

دانشجویان بعد از شنیدن این کلمات از زبان یک دانشمند مسیحی تحت تأثیر واقع شدند. (5)

جرج همچنین در این اجتماع گفت:

علی جامع اضداد بوده است. یکی پرسید جامع اضداد یعنی چه؟

گفت: «علی صفاتی مثل عطوفت فوق العاده داشت. که یتیم نوازیهایش مشهور خاص و عام است. این صفات متضاد مثل مهربانی و شجاعت علی، در نبردهای شیرافکن او در خیبر و بدر و اُحُد و... است. که تمام نام آوران عرب را بر زمین افکند... زیرا شجاعت ضد رأفت و مهرورزی است. و این دو صفت قابل جمع در یک فرد عادی نبود اما علی همه این صفتها را در خود جمع کرده بود. علی حامل صفت بخشنده و سخاوت و کرامت در حد اعلی بود و این صفت برای حاکمی که در بیت المال چنان سخت گیر است که شمع بیت المال را در

مذاکرت شخصی خاموش می کرد متضاد هستند. اما در وجود علی جمع شده بودند. علی از یک سو اهل تهجد و شب زنده داری و گریه و مناجات و ندبه بود، از سوی دیگر روزها در تعقیب دشمنان و کفار چنان بی رحم بود که دمار از وجود کفار برآورد و از سوی دیگر دیدن گریه یک یتیم دریای وجودش را طوفانی کرد. و هکذا اضداد دیگر...» (6)

خردورزی و ایمان به خیر و نیکی را تعقیب کرده است: «در تاریخ بشریت هیچ کس مانند علی و سقراط در راه حق، گام برنداشتند و هر کدام از این دو نفر با سرشت پاک انسانی و نیروی عقل و دلگرمی و روشنی نهاد و ایمانی که به خیر و نیکی داشت در برابر انسانیت میراثی گرانبها بشمار می رود. آنچنان که اگر کسی به علی عشق بورزد و پیرو او باشد عاشق و جویای نیکی و عدالت و حق و جوانمردی می گردد.» (13)

از دیگر کلمات و جملات عاطفی و معنویت انگیز سمعان در مورد علی «علیه السلام» این است که، حضرتش منتهای آمال و آرزوهای ستمدیدگان تاریخ است.

ایضاً می گوید: «نام علی انگیزه آرزوهای هر ستمدیده ایست و فریادی است که از گلو هر مظلومی برمی خیزد تا آنجا که نام علی مترادف کلمات نهضت و اصلاحات است. علی دریای مواجی است که سراسر هستی را گرفته است اما از قطره اشک یتیمی، طوفانی می شود.» (14)